



دلایل غیبت حضرت مهدی علیه السلام

خدایاراد سلیمیان

می شویم که پنهان زیستی آخرین
ذخیره الهی، بطور قطع از اسرار
خداوندی است که پرنده اندیشه و فکر
را توان پرواز تا آن قله رفیع نیست و
اگر در این راه توفیقی رفیق گردد به
یمن انفاس قدسی مقربان درگاه حق،
ائمه معصومین علیهم السلام است که گاه
گوشه‌ای از پرده رازها به کناری زده در
حد ظرفیت مخاطب و فهم او، حقایقی
را آشکار می سازند.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله حقیقت
سرّ بودن این امر را اینگونه بیان فرموده
است:

«أَيُّهَا جَائِرُ! إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَمِثْرٌ

بدون شک غیبت آخرین حجت
حق، حضرت مهدی علیه السلام، پدیده‌ای
است که به این صورت هرگز در تاریخ
اتفاق نیفتاده و طبیعی است که ذهن
جستجوگر انسان، همواره این سؤال را
مطرح کند که چرا چنین رُخدادی به
وجود آمده است؟! »

پاسخ به این پرسش همانند
بسیاری از پرسشهای دیگر، نیازمند
استمداد از کلام نورانی معصومان علیهم السلام
است و از این رو ما نیز با استفاده از
بیانات ایشان به برخی حکمتها و
علتهای این رویداد مهم اشاره می کنیم.
و پیش از آن این نکته را متذکر

مِنْ سِرِّ اللَّهِ، مَطْوِيٍّ عَنِ عِيَادِ اللَّهِ، قَائِمًا وَالشَّكِّ؛
فَإِنَّ الشَّكَّ فِي اللَّهِ كُفْرٌ^۱؛

ای جابر! همانا این امر؛ امری است از امر خداوندی و سَرّی است از سرّ خدا که بر بندگان او پوشیده است. پس بر حذر باش که دچار تردید نشوی. همانا شک در مورد خدا کفر است.»

و نیز ششمین مهر فروزان سپهر ولایت، به بیانی دیگر، این حقیقت را تبیین، و می فرماید:

«إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ، أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَسِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ وَغَيْبٌ مِنْ غَيْبِ اللَّهِ وَمَتَى عَلِمْنَا أَنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَكِيمٌ صَدَقْنَا بِأَنَّ أَعْمَالَهُ كُلَّهَا حِكْمَةٌ وَإِنْ كَانَتْ وَجْهَهَا غَيْرَ مُنْكَشَفٍ لَنَا^۲؛ این امر، امری از

امر خدا و سَرّی از سر خدا و غیبی از غیب خدا است و زمانی که می دانیم خداوند بزرگ مرتبه حکیم است، تصدیق می کنیم که همه کارهای او از روی حکمت است گرچه علت آن کارها بر ما روشن نباشد.»

اینک با استفاده از روایات معصومین علیهم السلام برخی از دلائل غیبت امام زمان علیه السلام را بیان می کنیم.

۱. حفظ جان امام زمان علیه السلام

اگرچه بیان سرّ بودن غیبت برای

انسانهای متعبد کافی است، ولی گاهی می شد افرادی علاوه بر آن از اسرار غیبت حضرت مهدی علیه السلام پرسش می کردند و ائمه نیز علاوه بر در نظر داشتن حکمت اساسی آن، به پاره‌ای از علت‌های دیگر نیز اشاره می کردند. یکی از این موارد؛ حفظ جان حضرت مهدی علیه السلام به وسیله زندگانی مخفیانه است و خداوند به وسیله پنهان ساختن آن حضرت، ایشان را از شر دشمنان حفظ کرد. امام ششم در روایتی کوتاه، به این مسئله اشاره کرده، فرمودند:

«إِنَّ لِلْقَائِمِ غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ إِنَّهُ يَخَافُ (وَأَوْمَأَ إِلَى بَطْنِيهِ يَعْنِي الْقَتْلَ)^۳؛ همانا برای قائم قبل از آنکه قیام فرماید غیبتی است؛ چرا که در هراس است. (و آن حضرت اشاره به شکم خود کرد؛ یعنی بیم کشته شدن دارد).»

البته این نه به آن معناست که آن حضرت از شهادت و کشته شدن در راه

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، مؤسسة النشر الاسلامی، ج ۱، ص ۲۸۷.

۲. همو، علل الشرایع، انتشارات مکتبة الداوری، ج ۱، ص ۲۴۵.

۳. ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱، ص ۳۴۰ و با اندک تفاوتی شیخ طوسی، کتاب الغیبة، مؤسسة المعارف الاسلامیه، ص ۳۲۹ و کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۲.

پیشوای شیعیان، امام کاظم علیه السلام در این باره فرموده‌اند: «إِذَا فُقِدَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ فَاللَّهُ فَاللَّهُ فِي آدْيَانِكُمْ فَآتَاهُ لَا يَزِيلَنَّكُمْ عَنْهَا أَحَدٌ، يَا بَنِيَّ إِنَّهُ لِأَبَدٌ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبَةٍ حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَقُولُ بِهِ إِنَّمَا هِيَ مِخْنَةٌ مِنَ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - اِمْتَحَنَ بِهَا خَلْقَهُ؛ هنگامی که پنجمین فرزند از امام هفتم ناپدید شود، پس خدا را خدا را (مواظب باشید) در دینتان. شما را احدی از آن دور نسازد. فرزندم! صاحب این امر ناگزیر از غیبتی خواهد بود، تا کسی که به این امر قائل است از آن بازگردد. همانا آن آزمایشی از جانب خدا است که خداوند خلق خود را به آن وسیله می‌آزماید.»

پر واضح است کسانی در این امتحان بزرگ سربلند خواهند بود که دارای مرتبه والایی از ایمان و عمل صالح باشند و کسانی که در این امور دچار نقصان باشند، بیشتر در معرض لغزش و سقوط هستند.» امام صادق علیه السلام تبلور این حقیقت را در ضمن کلامی ارزنده اینگونه بیان

خدا هراس دارد؛ بلکه به این معناست که چون آخرین ذخیره الهی در زمین است و آن حاکمیت فراگیر و جهانی که در تمامی ادیان وعده داده شده، تنها به دست او تحقق می‌یابد؛ بنابراین بر خداوند است که به هر وسیله ممکن او را تا روز موعود حفاظت نماید و حکمت الهی نیز بر پنهان زیستی او تعلق گرفته است.

و البته همین پنهان زیستی با ویژگیهای خاص خود، در مورد برخی از پیامبران - هنگامی که بر جان خویش بیم داشتند - اتفاق افتاده بود که از جمله آنها می‌توان به مخفی شدن پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام هجرت در غار اشاره نمود.

۲. امتحان و آزمایش انسانها

یکی دیگر از حکمت‌های الهی در غیبت حضرت مهدی علیه السلام، امتحان و آزمایش مردم است و از آنجایی که این نوع آزمایش به خاطر عدم حضور ظاهری امام، بسیار مشکل و طاقت‌فرساست، در تکامل انسانها نقش بسیار مهمی دارد و با این آزمایش سره از ناسره جدا شده، یاران راستین حق مشخص می‌شوند. اگرچه عده فراوانی از انسانها از این امتحان بزرگ سرافکنده بیرون خواهند رفت.

۱. الکلبینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۶؛ علل الشرايع، ج ۱، ص ۲۴۴؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبة، ص ۱۶۶؛ غیبت نعمانی، ص ۱۵۴، ح ۱۱؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۹، ح ۱.

فرموده اند:

«وَكذَلِكَ الْقَائِمُ فَإِنَّهُ تَمَنَّدَ عَنبَتَهُ لِيَصْرَحَ الْحَقُّ عَنْ مَخْضِهِ وَيَضْفُو الْأَيْمَانَ مِنَ الْكُدُورِ بِأَزْتَادِ كُلِّ مَنْ كَانَتْ طِبْتُهُ خَبِيثَةً مِنَ الشَّيْئَةِ الَّذِينَ يَخْشَى عَلَيْهِمُ النَّفَاقُ!»^۱

و اینگونه است که غیبت قائم ۷ طولانی خواهد بود تا اینکه حق محض آشکار گردد و ایمان از کدورتها [و پیرایه های آن] صاف و زلال گردد. و این با بازگشت افرادی است که دارای طینت ناپاکی هستند - از پیروان اهل بیت - یعنی همانها که ترس نفاق بر آنها می رود. در این روایت، به روشنی مشخص شده که آزمایش شیعیان در عصر غیبت حتمی خواهد بود.

۳. آزادی از بیعت دیگران

در برخی از روایات آمده است: «آن حضرت با غیبت خود ناچار از بیعت با طاغوت های زمان نمی شود.»

امیر مؤمنان علی علیه السلام در سخنی ارزشمند و نگاهی پرحسرت و اندوه، پرده از بی وفایی مردم برداشته و تنها امامی که زیر بیعت احدی نخواهد بود را اینگونه معرفی فرموده است: «إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا إِذَا قَامَ لَمْ تَكُنْ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ فَلْيَذَلِكْ تُخْفَى وَلَا دَتَهُ»

وَيَغِيبُ شَخْصَهُ؟

همانا قائم از ما اهل بیت، هنگامی که قیام می کند بیعت احدی بر گردن او نیست و به همین علت است که ولادتش مخفی نگه داشته می شود و شخص او غایب است.»

همین معنا در کلامی از پیشوای دوم - البته با اندوهی افزونتر - آن هنگام که به خاطر مصالح اسلام و مسلمین تن به مصالحه با معاویه داد و وقتی مردم زبان به ملامت حضرتش گشودند، پس از آنکه صلح خود را بهتر از هر آنچه خورشید بر آن می تابد قلمداد نمود، این گونه انعکاس یافت: «أَنَا عَلِمْتُمْ أَنَّهُ مَا مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا يَتَّقِعُ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةً لِبِطَاعِيَةٍ زَمَانِهِ إِلَّا الْقَائِمُ الَّذِي يُصَلِّي رُوحَ اللَّهِ عِبْسِي بَنِي مَرْزِيمٍ علیه السلام حَلَفَهُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَخْفَى وَلَا دَتَهُ وَيَغِيبُ شَخْصَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا خَرَجَ؟»^۲

آیا ندانستید که هیچ یک از ما ائمه

۱. شیخ طوسی، کتاب الغیبة، ص ۱۷۰؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۵۵.
۲. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۰۳؛ امین الاسلام طبرسی، اعلام الوری، ص ۴۲۶.
۳. ابو منصور احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، نشر مرتضی، ج ۲، ص ۲۸۹؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۵.

نیست مگر اینکه بیعت با ستمگری بر گردن او قرار می‌گیرد مگر قائم که عیسی بن مریم پشت سرش نماز می‌گذارد. پس به درستی که خداوند تبارک و تعالی و لادش را مخفی و شخصش را پنهان می‌سازد تا هنگامی که قیام می‌کند بیعت هیچ کس بر گردنش نباشد.»

این مفهوم در کلامی نورانی از خود امام زمان علیه السلام نیز آمده است، در آنجا که در توقیعی شریف - وقتی حضرت مهدی علیه السلام به پاسخ برخی پرسشها پرداخته است - فرمودند: «وَأَمَّا عَلَّةُ الْغَيْبَةِ فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنَ أَشْيَاءٍ إِن تَبَدَّلَكُمْ تُسَوِّكُم﴾ إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِّنْ آبَائِي عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَّا وَقَدْ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بِنَعْمَةٍ لِّطَاعِيَةِ زَمَانِهِ وَاتِي أَخْرُجَ حِينَ أَخْرُجَ وَلَا تَبِيعَةَ لِأَحَدٍ مِّنَ الطُّوَائِفِ فِي عُنُقِي؟» در خصوص علت غیبت [سؤال کرده بودید]، خداوند [در قرآن کریم] می‌فرماید: ای اهل ایمان از چیزهایی سؤال نکنید که اگر برای شما روشن شود، ناراحت می‌شوید. بدانید که هر کدام از پدران من بیعت یکی از طاغوت‌های زمان خویش را بر گردن داشتند، ولی من وقتی قیام می‌کنم بیعت هیچ یک از [گردنکشان و] طاغوت‌های زمان را بر گردن

ندارم.»

شاید استشهاد حضرت به آیه شریفه به این معنا باشد که شما خودتان علت غیبت بوده‌اید و اگر بدانید با تنها گذاشتن ائمه آنها را به بیعت با گردنکشان ناگزیر ساختید، ناراحت خواهید شد.

کوتاه سخن اینکه:

وجود مقدس امام علیه السلام، لطفی است از طرف خداوند متعال و تصرف او در امور لطفی دیگر. خداوند با وجود امام به لطف خود جامه عمل پوشاند، فردی را که برای اداره جامعه لازم است آفرید و حجت خود را بر مردم تمام کرد، تا اگر شایسته بودند از وجودش بهره ببرند. از طرفی بسط ید امام علیه السلام لطف دیگری است که به کوشش ما مربوط می‌شود. تقویت قدرت امام - در مواردی - در توان ماست؛ بنابراین در این رابطه ما تکالیفی داریم و بی‌شک عدم حضور معصوم و نداشتن امام (غیبت ایشان) - حداقل بخشی از آن - را باید از چشم خود ببینیم، چرا که فرموده‌اند: «أَوْجُودُهُ لَطْفٌ وَتَضَرُّفُهُ لَطْفٌ آخِرٌ وَعَدَمُهُ مِتَانَةٌ»

۱. مانده ۱۰۱/۱.

۲. شیخ طوسی، کتاب الغیبة، ص ۲۹۰؛ کمال

الدین، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.